

## ضمیر و اقسام آن

ضمیر کلمه ای است که جانشین اسم می شود و برای جلوگیری از تکرار اسم، به جای آن می نشیند.

رستم پهلوان بزرگی بود هر کس او را می دید.

او ضمیر است و جانشین رستم شده است رستم مرجع ضمیر است.

اقسام ضمیر عبارتند از :

1- شخصی

2- مشترک

3- اشاره

4- پرسشی یا استفهامی

5- تعجبی

6- مبهم

7- ملکی

1- ضمیر شخصی : ضمیرهایی هستند که برای هر یک از اشخاص (اول شخص ، دوم شخص و سوم شخص ، مفرد یا جمع ) ساخت جداگانه دارند.

ضمیر شخص دو گونه است : منفصل ، متصل

الف- ضمیر شخصی منفصل یا گسسته ، ضمیری است که به کلمه پیش از خود نمی چسبد و به تنهایی بکار می رود:

من                      ما

تو                      شما

او(وی)                      ایشان

ب - ضمیر شخصی متصل یا پیوسته : ضمیری است که به کلمه پیش از خود می پیوندد و به تنهایی به کار نمی رود .

م      مان

ت      تان

ش      شان

تذکر: وقتی که ضمیر م، ت، ش به کلماتی که به ه ختم می شوند افزوده شود الفی به آن اضافه می شود.

میوه ام، جامه ات

اگر ضمائر متصل به کلمه ای که آخرش ا یا و باشد ی به آن اضافه می شود.

قلم هایم، ابرویت

**2-ضمیر مشترک:** ضمیری است که برای همه ساختهای شش گانه یکسان بکار می رود.

خود: خودم، خودت، خودش، خودمان، خودتان، خودشان

در زبان فارسی سه ضمیر مشترک وجود دارد: خود، خویش و خویشتن

تذکر: خود وقتی ضمیر است که به تنهایی بکار رود و اگر جزئی از یک کلمه باشد دیگر ضمیر نیست. مثل: خود شناسی، خود خواهی، خود کشی. خویشان و خویشاوند و خویشنداری و امثال این ها کلمات مرکب هستند و نمی توان به عنوان ضمیر به حساب آورد.

**3-ضمیر اشاره:** ضمیری است که مرجع آن به اشاره ( دور یا نزدیک ) معلوم می شود. آن، اینبه عبارت دیگر به چیز دور یا نزدیک اشاره می کند.. اگر این کلمات به همراه اسم بیایند صفت اشاره و اگر جانشین اسم شوند ضمیر اشاره اند.

علامت ضمیر اشاره آن است که می توان آن را جمع بست. آن ها، این ها یا آنان، اینان این کتاب را بگیر و آن را بخوان.

این: صفت      آن: ضمیر

دو کلمه ی همین و همان می توانند به عنوان ضمائر اشاره به کار روند.

**4- ضمیر پرسشی:** ضمیر پرسشی نیز همان صفات پرسشی هستند که جانشین اسم شده اند:

که، چه، کدام، کدامین، کی، کجا، چگونه

5- ضمیر تعجبی : واژه ” چه ” وقتی که بی همراهی اسم بیاید و مفهوم تعجب و شگفتی را برساند

چه هوای خوبی ! چه زیباست !

**صفت**                      **ضمیر**

6- ضمیر مبهم : واژه هایی هستند که بر کس یا چیز یا مقدار مبهمی دلالت می کنند به عبارتی در معنی آنها ابهام وجود دارد:

همه ، همگی ، بعضی ، چیز ، فلان ، هیچ و...

همه آمدند.                      فلانی ، آدم بسیار خوبی است .

تذکر : بعض از این ضمایر ممکن است قبل از اسم بیایند که در این صورت دیگر ضمیر نیستند و صفت مبهم می باشند ..

**کاربرد و نقش ضمیر ها**

ضمیر ها معمولا جانشین اسم هستند از این رو نقش های مختلف اسم را بر عهده می گیرند .

1- نقش نهادی : من فردا به مسافرت می روم . خودت این مطلب را گفتی.

2- نقش مسندی : محمود من هستم.                      احمد کدام است .

3- نقش مفعولی : تو او را ندیدی .                      خویشان را رها ساختم

4- نقش متممی : به آن دست مزین.                      به خود گفتم.

5- نقش منادایی : ای آن که به اقبال تو در عالم نیست.

6- نقش تمیزی : مرا که پنداشتی ؟

7- نقش قیدی : کجا می روی ؟                      چقدر خوابیدی ؟

8- نقش مضاف الیهی : دلم به حالش سوخت.                      او از گفته خویش پشیمان شد